

فضای مجازی بسیاری از چهره‌های جوان تلویزیونی به شهرت می‌رسند و کماکان سینما به دنبال استفاده از این محبوبیت برای سالن‌های خالی خود است. در این دهه پولسازترین چهره سینما سابقه تلویزیونی دارد و حتی بسیاری از فیلمسازان فیلم اولی در جشنواره فیلم فجر هم به همین شکل با تلویزیون آغاز کرده‌اند.

یکی از هوشمندترین چهره‌های دهه ۹۰ را می‌توان سبروس مقدم و مجموعه پایتخت دانست. این که مقدم هرگز مدیومی را که می‌شناسد رها نمی‌کند و در تلویزیون می‌ماند و حتی بازیگران پایتخت هم به‌رغم تجربه‌هایی در سینما بیشتر به‌عنوان یک چهره تلویزیونی شناخته می‌شوند. در این دهه چهره‌های تلویزیونی سال‌های قبل به پختگی می‌رسند و روند مهاجرت معکوس به‌رغم شانتاژهای مختلف به تلویزیون اتفاق می‌افتد. بسیاری از مسابقه‌های مهم تلویزیونی و حتی سریال‌ها توسط ستارگان سینما تولید می‌شود. در این سال‌ها و به‌واسطه اتفاقاتی که در سینمای ایران در حال رخ دادن است تلویزیون به‌عنوان یک بازار کار مطمئن برای بسیاری از سینماگران شناخته می‌شود و با تمام کمبودهای مالی و شرایط سخت بودجه‌ای، باز هم تلویزیون برای این سینماگران خانه امن محسوب می‌شود. یکی از اتفاقات جالب این سال‌ها که به مجموعه پایتخت بازمی‌گردد تجربه‌ای است که محسن تاننده در فیلم گینس انجام می‌دهد. تجربه‌ای ناموفق که نشان می‌دهد مدیوم تلویزیون و سینما به کلی با هم تفاوت دارند و لزوماً موفقیت در هر کدام به موفقیت در دیگری منتهی نمی‌شود.

در این دهه یک رقیب جدی برای سینما و تلویزیون پیدا می‌شود که البته مجبور است از نیروهای این دو حوزه به‌خصوص تلویزیون به شکل جدی استفاده کند؛ شبکه نمایش خانگی که یک خط سوم در زمینه استانداردهای نمایشی در ایران را به‌وجود می‌آورد و عمدتاً هم به عنوان یک شبکه مولد و تولیدکننده نیروهای متخصص شناخته نمی‌شود. شبکه‌ای که این روزها در خصوص پول‌ها و سرمایه‌گذاری که در آن فعالیت می‌کند داستان‌های بسیاری شنیده می‌شود.



سیاوش طهمورث، ثریا قاسمی، رسول نجفیان، پرویز پورحسینی، شهاب حسینی و در حوزه موسیقی به نام‌هایی مانند مجید انتظامی و فردین خلعتبری اشاره کرد.

پیش به سوی پایتخت

سینما در دهه ۹۰ به شکلی مشهود دوباره می‌شود. در یک سو کمدهایی که میلیاردری می‌فروشند و در سوی دیگر فیلم‌هایی که با کمترین مخاطب روبه رو هستند و در این میان تلویزیون کماکان به وظیفه‌اش عمل می‌کند. در این سال‌ها به شکل ناچوآمدانه‌ای به تلویزیون حمله می‌شود و تعداد مخاطبان آن مورد سوال قرار می‌گیرد، اما هرگز این جریان درباره فیلم‌های سینمایی با هزینه‌های میلیاردری و فروش‌های بیست و چند میلیون تومانی پاسخ نمی‌دهد. در این دهه و به‌واسطه شکل‌گیری

محبوبیت استفاده کنند و با هوشمندی به تلویزیون بازمی‌گردند و هم‌اکنون هم با مجموعه کلاه قرمزی تقریباً برای همه مردم ایران چهره‌هایی شناخته شده هستند. نکته مهم درباره این زوج هنری قدیمی این است که آنها همواره در محدوده توانایی‌های خود فعالیت می‌کنند و با شناخت دقیق فضای سینمای امروز، تلویزیون را به‌عنوان فضای اصلی مجموعه‌ای همچون کلاه قرمزی انتخاب کرده‌اند. مجموعه‌ای که به‌رغم شکستن بسیاری از رکوردها در دهه ۷۰ یک اثر تلویزیونی کامل است.

در بین چهره‌های مهم این سال‌ها نام‌های شاخص دیگری هم وجود دارد که با بازی در سریال‌های تلویزیونی به شهرت می‌رسند و در سه دهه بعد هم همواره با تلویزیون ارتباط خوبی داشته و در آثار تلویزیونی حضور مداومی دارند. از جمله این نام‌های بزرگ، می‌توان به پرویز پرستویی، رویا تیموریان،

نام‌آور مکتب تلویزیون است.

از سوی دیگر در دهه ۷۰ مجموعه طنزی همچون ساعت خوش باعث می‌شود تا گروهی جوان و با استعداد با اعضای مانند مهران مدیری، رضاعطاران و سعید آقاخانی فرصت کار پیدا کنند و مورد اقبال عمومی واقع شده و در دهه‌های بعد همین سه نام، صاحب جایگاه ویژه‌ای در عرصه طنز سینما و تلویزیون بشوند.

در دهه ۷۰ یکباره سینما با ساخت فیلم‌هایی مانند عروس، شوکران، سلطان و مانند اینها از نظر چهره‌پردازی و طراحی لباس از ضابطه‌های تلویزیون فاصله می‌گیرد و به خاطر همین نکته سینما در مورد مقوله بازیگری دچار کاستی‌هایی می‌شود که راه را برای بازیگرانی یک شبه بدون سابقه تئاتر و تلویزیون باز می‌کند. بازیگرانی که اصالت تئاتر و تلویزیون را ندارند و صرفاً گیشه را تأمین می‌کنند و این برخلاف جریانی است که در سال‌های دهه ۶۰ وجود دارد. دهه‌ای که موفقیت در سینما و ماندگاری در آن با حضور در سریال‌های تلویزیونی ارتباط مستقیمی دارد و شاید به دلیل همین نکته هنوز هم چهره‌های تلویزیونی از محبوبیت بیشتری در بین افکار عمومی برخوردارند. چهره‌هایی که با توجه به وسعت مخاطبان تلویزیون امکان بیشتری در مقایسه با سینما برای ارتباط با مخاطب دارند.

شب دهم

دهه ۸۰ همچنان ساخت سریال‌های تلویزیونی و معرفی هنرمندان و عوامل به سینما ادامه دارد. در این سال‌ها گونه فیلم‌های تلویزیونی رونق بسیاری پیدا می‌کند و جالب این که بسیاری از فیلمسازان کهنه‌کار سینما در مهاجرتی معکوس به تلویزیون باز می‌گردند. در این سال‌ها به خاطر تغییر سیاست‌های سینمایی به دلیل ممیزی‌های متفاوت تر از قبل، پرداختن به مقوله متن و ارزش کیفی آن کاهش می‌یابد و بیشتر سازندگان آثار سینمایی درصدد ساختن کارهایی برمی‌آیند که گیشه در آن همه چیز است. این نکته باعث می‌شود بسیاری از استعدادهای درخشانی که تا پیش از این با یک روند طبیعی از تلویزیون به سینما می‌آمدند بیکار شده و به ناچار به خانه اصلی خود بازگردند. دهه ۸۰ دهه رونق سریال‌های تلویزیونی است به گونه‌ای که هیچ فیلم سینمایی حتی به اقبال یک سریال نزدیک هم نمی‌شود. در این دهه بسیاری از چهره‌های سینمایی در میان مردم عامه با اقبال کمتری روبه‌رو هستند و حتی در شهرهای کوچک‌تر ناشناخته می‌مانند.

رضا عطاران شاخص‌ترین چهره‌ای است که در دهه ۸۰ حضور تلویزیونی پررنگی دارد و حالا یکی از پولسازترین چهره‌های سینمای ایران محسوب می‌شود. سریال‌هایی مانند ترش و شیرین، بزن‌گاه، متهم گریخت و خانه به دوش آثاری است که سبک جدیدی از طنز موقعیت و کلامی را برای تلویزیون به یادگار می‌گذارد و مردم به دلیل شناخت این شوخی‌ها استقبال فوق‌العاده‌ای از معادل‌های سینمایی آن در دهه ۹۰ دارند.

ایرج طهماسب و حمید جلی که با برنامه‌های عروسی و ترکیبی کودک و نوجوان به مردم معرفی می‌شوند، می‌توانند در فیلم‌های سینمایی هم از این

جذب چهره‌ها

تلویزیون را بسازد آیا امکان ساخت اثری مانند شهرزاد در شبکه نمایش خانگی در چند سال گذشته وجود داشت؟ آیا اگر به بسیاری از فیلمنامه‌نویسان کنونی سینمای ایران امکان آزمون و خطا در تله فیلم‌های دهه ۸۰ داده نمی‌شد حالا ما با این حجم از فیلمنامه‌نویسان در سینما روبه رو بودیم؟ آیا اگر مجموعه‌ای مانند «شاید برای شما هم اتفاق بیفتد» با همه ضعف‌ها و قوت‌هایش ساخته نمی‌شد امکان حضور بسیاری از بازیگران جوان این مجموعه در سینما وجود داشت؟

به هر ترتیب سینما هنری نیست که بسیاری از نیروهایش بتوانند با آن آغاز کنند. تلویزیون، تئاتر و حتی رادیو خاستگاه‌هایی است که البته همواره هم مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و برخی از چهره‌ها برای بازگشت به آن شرط می‌گذارند. اتفاقی که در نگاه اول به کمبود قوانین و قراردادهای جدی در حوزه تولیدات تلویزیونی بازمی‌گردد. اتفاقی از جنس کشورهایی که در حال حاضر به شکل انبوه و صنعتی سریال تولید می‌کنند و نیروهای تلویزیونی در هر شکلی باید حقوق تلویزیون را رعایت کرده و به آن وفادار باشند.

تلویزیون خانه اول هنرمندانی است که این روزها شاید آن را گاهی فراموش کنند اما راه از این طرف همیشه باز است.

تلویزیون در دهه ۹۰ به سمتی حرکت می‌کند که همان‌طور که گفته شد بسیاری از چهره‌های مهم سینمایی را به سمت خود جذب می‌کند. برنامه‌هایی که از ظرفیت‌های این چهره‌ها استفاده می‌کند. چهره‌هایی مانند محمدرضا گلزار، امید جوان یا حتی مهران مدیری که تجربه‌هایی در نمایش خانگی دارد و جالب اینجاست که حالا برخلاف گذشته بسیاری از این چهره‌ها تمرکز اصلی خود را روی برنامه‌های تلویزیونی گذاشته و سینما در اولویت اول آنها قرار ندارد.

تلویزیون همواره ساختار مشخصی برای کشف استعدادها و مختلف دارد. نیروهای جوانی که قطعاً نمی‌توانند در چرخه گران و سخت سینما دست به آزمون و خطا بزنند و آثار تلویزیونی فرصت خوبی برای تجربه‌اندوزی آنها محسوب می‌شود. رسانه‌ای به وسعت یک کشور که مخاطبان بسیاری دارد و به همین دلیل هر موفقیت در آن می‌تواند به رشد یک هنرمند منتهی شود. در تمام چهار دهه گذشته بسیاری از چهره‌های مهم حوزه‌های نمایشی در ایران از تلویزیون آغاز کرده‌اند و بعدها به چهره‌های مهم سینما تبدیل شده‌اند. تصور کنید اگر شهاب حسینی با اجرا و بازی در سریال‌های تلویزیونی آغاز نمی‌کرد یا حسن فتحی نمی‌توانست اولین سریال خود در